

نقش، موقعیت و مقام

# افراد سال خورده



کتابخانه ملی و مطالعات فرهنگی  
رتبه اول علوم انسانی

در مسائل مهم جهان معاصرین است که سطح بهداشت بالا رفته، طول عمر انسانها زیاده‌تر از قبل مدت کارمندی اندک، بازنشستگی زودرس بسیار، مرگ وفوت بتاخیر و جمعیت پیران و بزرگسالان روبه افزایش است؛ این امر که در برخی از جوامع سنتی با استقبال و خرسندی روبه روست، در جوامع صنعتی و بی‌ویژه غربی مساله آفرین و وضع به گونه‌ای است که ناسف انسانهای با وجدان و متعهد را بر می‌انگیزاند.

در همان زمان که جوامع سنتی وهم مردم مسلمان جهان وجود پیران را بعنوان عامل خیر و برکت می‌پذیرند و آنها را مورد تکریم و احترام قرار می‌دهند در غرب با مردمی مواجهیم که از جا تنگ کردن آنها و احیاناً "مداخله و اظهار نظرشان در امور مربوطه حیات خانوادگی خشمگین بوده و آنان را از خود طرد کرده حتی در مواردی موجبات قتل‌شان را فراهم می‌آورند.

#### اوضاع اسف بار پیران

در دنیائی که بحث از حق و عدالت و انصاف است و در عصری که نسلیها سخن از حقوق حیوانات دفاع از انسانیت و اخلاق دارند با پیرانی در گوشه و کنار جهان مواجهیم که پس از طی دوران حیات توأم با عزتی، سنین کهولت را در نواخانه‌ها و دور از خانواده می‌گذرانند و یا در خانه و کاشانه خویش به عنوان عضوی زائد نگریسته می‌شوند.

جوانان احترام پیران را نگه نمی‌دارند و آنها را در روزگاری پیری تنها و بی‌بناه به انزوا و گوشه عزلت رها مینمایند. در حالیکه بسیاری از آنان علاوه بر عوارض جسمانی ناشی از سالخوردگی دچار ضعف روحی و احیاناً "بیماری‌های روانی و عاطفی هستند. پیران در عزلت و انزوا بسسه انتظار مرگ به سر می‌برند و گاهی هم شرایط زندگی بگونه‌ای است که در آنها تمایل به فرار از زندگی پدید می‌آید.

برخی دیگر از افراد این گروه در عین عیالواری قادر به تامین هزینه دارو و درمان خود نیستند و زندگی را بانلخی و عسرت می‌گذرانند.

عدم توجه نسل جدید و حتی دولت و مسئولان به این گروه سبب آن شده است که برخی از آنان مجمعی از پیران و سالخوردگان تشکیل دهند که حافظ منافع شان باشد. اگر چه برخی از دولت‌ها هم به فکر تهیه آسایشگاه و تامین شرایط نسبا آسان زندگی و دارو و درمان برای آنان خواهند بود. و البته خانه پیران با همه مزایای رفاهی که برای آنان دارد واجد این ریان است که آثار روانی ناشی از طرد و رد را جبران نمی‌کند و راستی چه زشت است که فردی روزگار جوانی و شادابی و سلامت خود را صرف کارهای عمرانی و خدماتی نماید ولی در روزگاری پیری و افتادگی مستحق چنین وضعی گردد.

#### علل وانگیزه‌های آن

در مورد علل وانگیزه‌های چنین وضعی دلایل گوناگونی ذکر شده است که اهم آنها در آزادی خواهی و استقلال طلبی نسل جوان و میل به داشتن یک زندگی دور از سزاحم خلاصه میشود.

ولی بنظر ما اگر مساله بادیدنی عمیقتر مورد بررسی قرارگیرد این امر ناشی از سستی مبادی ایمان و مکارم اخلاقی و هم سستی پیوند عاطفی خانواده است .

درسایه انقلاب صنعتی تحولاتی همه جانبه در تمام شئون حیات انسان پدید آمده و شیوه زندگی و حتی عقاید مذهبی و اخلاقی را تغییر داده است . حق این است که نسل آن روز درسایه تعلیمی که از خانه و مدرسه گرفته نه ایمان درستی دارد و نه فضیلت و اخلاقی میشناسد . اخلاق و رفتار اجتماعی بر اساس مادیت محض تبیین میشوند و نادیده گرفتن حقوق انسانهایی که عمری به بشریت خدمت کرده اند جرمی و لغزشی به حساب نمی آیند .

#### دورنمای آینده

ماگمان داریم مسائل مربوط به سالخوردگان با زمینه‌های موجود آینده خطرناکی خواهد داشت زیرا :

اولاً " همه ساله قشر عظیمی از افراد به جمع پیران و بازنشستگان اضافه میشوند و بار مالی اداره - شان روز به روز سنگین‌تر خواهد شد و این رقم بر اساس محاسبات آماری به صورتی است که در حدود ۴۰ سال بعد درازای هر سه فرد بالغ یک فرد بالاتر از ۶۰ سال خواهیم داشت .

ثانیاً " بازنشسته کردن زودرس افراد از مسائلی است که در عین حل ناقص یک مشکل اجتماعی مشکلی دیگر در این زمینه پدید خواهد آورد .

ثالثاً " اشتغال شان هم امری مساله ساز است طوری که پیش بینی میشود در سال ۲۰۰۰ فقط ۲۷٪ مردان و ۱٪ زنان بالاتر از ۶۵٪ سال در امر اشتغال باشند .

رابعاً " باز زمینه‌های فرهنگی موجود انتظار نمی رود که زمینه‌های اخلاقی نسل ، بدون یک اقدام اندیشیده و عاجل به جایی رسد که احساس مسئولیت و تعهدی در برابر نسل پیران بیابند ، و به این اوضاع سرو سامان دهند .

در نتیجه باید عواقب و عوارض دیگری را هم در این زمینه منتظر بود . و نیز انتظار میرود که وضع موجود و طرز برخورد امروز نسل پیر و جوان بندریج گسترش یابد و در کلیه کشورها مطرح گردد . بدین خاطر ضروری است اقداماتی در جهت خیر و رفاه بزرگسالان در سطح جهانی بعمل آید ، بگونه‌ای که هم مقام و موقعیت شان حفظ شود و هم از تجارب شان بهره وافی نصیب گردد .

#### **آنچه که میتوانند باشند**

با همه ضعف ها و زوئیهای که در پیران بچشم میخورد آنها میتوانند از یکسو منشاء خدمات فرهنگی و اخلاقی باشند و از سوی دیگر باز هم آن شایستگی و لیاقت در آنان وجود دارد که مورد توقیر و احترام قرار گیرند . بررسیهای آماری نشان میدهد که حدود ۷۵٪ افراد سنین ۶۰ به بالا میتوانند فعال بوده و حتی خود را بوجهی نیکو اداره کنند . کمتر از ۵٪ آنها اختلال مغزی

دارند که قادر به اداره خود نبوده و نیازمند به کمک هستند. سهم و مشارکت شان در جنبه‌های مادی و معنوی میتواند بسیار باشد که برخی از آنها عبارتند از:

- سرپرستی از کارهای تولیدی، خدماتی و عمرانی در حدی محدود یا وسیع.
- انجام دادن کارهای سبک خانه مثل اداره امورخانه، حفظ خانه، مراقبت از بچه‌ها و...
- انتقال دانشها، تجارب، اطلاعات تاریخی مستند به نسلی که نیازمند به آن است.
- مشارکت در کارهای عام المنفعه و فعالیت‌های ارشادی، هنری، آموزشی و...
- قرارگرفتن در پست‌طرف مشورت برای آنها که به تجارب‌شان نیاز دارند.
- کارهای مربوط به مزرعه و پرورش گل که میتواند برای آنها روحبخش هم باشد.

غرض این است که با برنامه ریزی‌ها میتوان از وجود پیران سالهای سال وحتى دم مرگ استفاده کرد، ضمن اینکه جنبه‌انسانی و اخلاقی امر را هم ملحوظ میداریم. چه بسیارند اطلاعات و تجارب که آنها واجدند و نسل ما بدان نیازمنداست. این فرد پشت خمیده با چهره‌های چروکیده واجد گنجینه‌ای از تجارب و آگاهی هاست و دارای خاطراتی است که میتواند برای نسل سودمند باشد. ماگمان داریم که اگر جوان محضر پیر را غنیمت بشمارد و از راهنماییها و تجاربش استفاده کند خواهد توانست زندگی خود را غنی‌تر سازد.

### توصیه‌های اسلامی:

اینکه در جوامع اسلامی روابط این دو نسل باهم خوب و طبیعی است بدان خاطر است که فرهنگ اسلامی به رعایت حال پیران توصیه فراوان دارد. اساس تلاش متوجه آن است که مسائل و مشکلات این گروه بگونه‌ای حل شود که بدون دغدغه خاطر سرگرم زندگی باشند.

تعالیم اسلامی ما سخن از بهره‌گیری دانش و تجارب اینها دارند و نسل جوان را سفارش کرده‌اند که از آنان بهره‌گیرند و طبعاً آنها را معلم و هادی خود قرارداده و در کنارشان زندگی نمایند.

در سخنانی که از پیشوایان اسلام آمده سخن از این است که:

فرد پیر عمری سرد و گرم دنیا را چشیده‌است، پستیها و بلندی‌های حیات را طی کرده، میتواند راهنمای نسل باشد. سپیدی موی او حاکی از کوشش و تلاش مداوم او در زندگی و نشانه تجربه اوست و باید از آن بهره‌گرفت.

### مشارکت پیران

در کشورهای اسلامی، تعالیم قرآن، همراه با سنت‌های نیرومند خانوادگی سبب شده‌اند که افراد سالخورده همواره مورد احترام و مراقبت باشند، در برنامه‌های مربوط به حیات و سیاست

زندگی مشارکت نمایند. در این مشارکت آنها معلم و راهنمای نسل جوانند و عامل تربیت نسل و سبب انتقال ارزشها. چه بسیارند دانشها و تجاربی که از آنان کسب شده و سبب رفع دشواریها و موانع زندگی میشوند.

در جوامع اسلامی تصمیم گیریهای عمده مربوط به اداره خانواده و شهر و روستا با پیران مجرب و موی سپید است. حل درگیریها و داوریها توسط همین گروه صورت میگیرد، سندیت اخلاقی شان عامل رفع اختلاف است. مشارکت شان هم در امور مادی است و هم در جنبه معنوی و این مشارکت همراه با احترام است.

### مقام آنها در اسلام

دردنیای اسلام پیران دارای مرتبت و مقامی ارزنده و والایند. احترام به پیران در حد و جوی است. پیامبر ما حضرت محمد (ص) فرموده است آنکس که بر افراد خردسال مهرورزی نکند و پیران و سالخوردهگان را مورد احترام قرار ندهد از ما (مسلمان) نیست. اسلام بزرگترین حق را برای پدر و مادر قائل است و بهر میزان که سن آنان بالاتر رود از حرمت اجتماعی بالاتر میسر بر خوردارند. زیرا موی سپید خود نشانه تجربه و خدمت و درخور احترام است قرآن کتاب آسمانی پس از سپاس از الطاف خداوند سپاس از پدر و مادر را ذکر کرده است.

(أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ) و پیامبر ما هم فرمود: وَقَرُّوْا كِبَارَكُمْ به سالخوردهگان خود احترام کنید. و بدیهی است که این احترام برای پدران و مادران سالخورده بمراتب باید افزون تر باشد.

در اسلام سالخوردهگی نشانه وسایل تجربه و دانائی است و شکوفائی اعضای خانواده در این رابطه میتواند تامین باشد. اسلام میخواهد حرمت پیران را پاس بداریم و آنان را بخاطر رنجی که در عمری متحمل شدهاند و کوشش و اینتارها کردهاند تا فرزندان لایق برای اجتماع تربیت کنند مورد توجه قرار دهیم.

این خواسته مورد اجابت نسل جوان است و بنظر ما پیران باید از اسلام متشکر باشند که برای شان ارزش و اعتبار فوق العادهای قائل شده و سالخوردهگان جهان بنظر ما میبایست با استفاده از تعالیم اسلامی برای خود حیثیت و اعتباری پدید آورند.

### نقش آنها در جوامع اسلامی

در جوامع اسلامی روابط پیران با جوانان بسیار دوستانه و صمیمانه است و نقش آنها نقش سرپرستی و ولایت بر فرزندان، حل مسائل مورد اختلاف با استفاده از وجهت پیری است، پیران در خانوادههای اسلامی بمانند هیئت حاکمانند که اگر نیازی به تصمیم گیری بود در آن

دخالت و اظهار نظر میکنند. فرزندان و نوادگان به آنها احترام گذارده و به رای و نظر آن ها ارجحیت قائل میشوند.

اینان در بین مردم نیز عزت و سربلندی دارند و مردم یک منطقه در باره رای و نظرشان ارزش قائلند و وجودشان را بر اساس سخن پیامبر باعث افزایش فیض ربوبی میدانند. زیرا پیامبر فرمود: **الْبُرْكَه مَعَ الْكَبْرُكُم**. به همین خاطر بسیار ساده است که به رای و داوری او گردن نهند.

توصیه های اسلامی این نقش را تقویت و تائید میکند زیرا علی (ع) فرمود با مردان آزموده و صاحب تجارب همنشین باش و چه اینان منافع تجربه را به گرانبها ترین بها که فدا کردن عمر است تهیه کرده اند و با ارزانترین قیمت بتو میدهند و هم در متون اسلامی آمده است که پدر بزرگ و مادر بزرگ حق ولایت دارند و باید تابعیت آنها را بپذیرند جز در امر گناه.

### موقعیت آنها

بر اساس فرموده امام صادق (ع) موقعیت پیر در میان مردمش همانند موقعیت یک پیامبر در میان مردم امت خویش است و این خود نشان دهنده ارزش مقام اوست. اسلام وجود پیران را برای خانواده نعمتی میداند که با استفاده از آن میتوان آگاهی های روشنتری در رابطه با حیات بدست آورد.

در جوامع اسلامی کسب اجازه برای انجام برخی از مراسم چون ازدواج، نامگذاری برای کودک با اجازه اینان صورت میگیرد و حضورش در مراسم سبب خیر و برکت و نشانه اهمیت مراسم است اینان در غم و شادی زندگی شرکت دارند و در تصمیم گیری ها نقش مهمی را ایفا میکنند. در نجات اعضای خانواده از وسوسه ها، در تعیین مشی زندگی و در داشتن یا طرد زندگی تجملی آنها عرضه کننده و جهت دهنده اند.

موقعیت آنها موقعیتی احترام آمیز و مسئولیت نگه داره و حفظ حرمت آنها بر عهده همگان و بویژه فرزندان است. از نظر اسلام سهل انگاری در انجام این وظیفه گناهی نابخشودنی است. و در آئین ما این افتخار میتواند برای هر مسلمانی باشد که رضای والدین را کسب کرده و منفور و مغضوب او نیست.

### اداره زندگی آنها:

اداره زندگی نسل سالخورده وظیفه ای برای فرزندان است و این امر را در رابطه با مساله حقوق بازنشستگی و میراث آنان و چشمداشت به ثروت شان نیست بلکه صرفاً امری شرعی، و وظیفه ای الهی است.



از نظر اسلامی حتی جوان موظف میشود پیران را در زندگی برخورد مقدم دارد و این امر در جامعه اسلامی ما بهوجهی نیکو پیداست. جوان وظیفه دارد از مسائل و مشکلات پیران نیازهایش مطلع باشد و به اداره اش بپردازد. فرد سالخورده در هیچ مرحله‌ای از حیات تنها و بی پناه نیست و حتی در آنگاه که فرزندان بعللی آنها را نپذیرند دولت موظف به اداره آنان است. علی (ع) در عصر حکومتش بیری را دید که کدائی میکرد. از احوالش پرسید، معلوم شد در دوران جوانی سرگرم کار و زندگی بوده و اینک بعلت عدم توان کار و نیاز به اداره امر معیشت کدائی میکند. فرمود انصاف نیست در دوران جوانی از قدرتش بهره گیریم و در بیری رهایش کنیم. پس او را بنزد مسئول امور مالی کشور برد و دستور داد از صندوق مملکت برای او بازنشستگی معین کنند و این نخستین گامی است که در طریق رفاه پیران بصورت رسمی آن هم در کشور اسلامی برداشته شده است و قانون اساسی ما در اصل ۲۹ با الهام گیری از این روش امام علی (ع) تأمین زندگی محرومین و مستضعفین جامعه و مستمری از کارافتادگی‌ها را بر عهده دولت و از محل درآمدهای عمومی معین کرده است. بر همین اساس بی توجهی به سرنوشت پیران که در جوامع غربی نمونه‌های آن ملاحظه میشود در جوامع اسلامی سابقه ندارد. توصیه به رعایت حقوق و حرمت آنهاست و اصل بر احسان و کمک رسانی و احترام است.

#### وظایف در قبال پیران

اسلام علاوه بر قائل شدن مقام معنوی خاص برای پیران امر مراقبت و پرستاری از آنان را وظیفه‌ای به حساب می‌آورد. توصیه‌ها به نسل جوان این است که با روی گشاده و قیافه بشاش با آنها برخورد کنند و از تلخ روئی بپرهیزند. کیفیت حمایت از پیران و انجام وظیفه در قبال آنان را قرآن کتاب آسمانی ما بدینگونه تشریح کرده و یادآور شده است:

در مقابل پدر و مادر با گفتار و رفتار فروتنی و تواضع کن، همانند مرغی که از روی محبت بالهای خود رامیگستراند تا جوجه‌های خود را زیر پر بگیرد... آنها را در آغوش پر مهر و محبت خود جای ده و دعا کن و از خدای بخواه که پروردگارا والدینم را مشمول رحمت واسعه خود گردان همانگونه که آنان از روی رحمت و عطف در کودکی مرا پرورش دادند...

و چنین اندیشه‌ای در جامعه اسلامی مان بصورت یک سنت و دستورالعمل درآمده است و این آیات قرآن به گوش همه افراد نسل‌ها آشناست آنچنان که بدرفتاری و بی توجهی را لغزشی بزرگ بحساب می‌آورند. نیکوئی به والدین و احترام به شخصیت آنها در هر سن و مرحله عمر یک وظیفه قطعی و الهی است.

آیات دیگر قرآن به مسلمانان سفارش میکند که با تند و شدت به پدر و مادر نگاه مکن، به آنان خیره و خشمگین مباش، نگاهت از روی رافت و مهر باشد و حتی به آنها فحاشی مکن.